



چالش‌های ناتو در معماری امنیتی نظام بین‌المللی

دکتر بهادر امینیان^۱

چکیده

ناتو یکی از مهمترین نهادهای چندلایه شکل‌دهنده نظم آمریکایی در طول ۷۵ سال گذشته بوده است و به عنوان یکی از استوانه‌های این نظم، توانسته نقش تعیین‌کننده‌ای در هژمونی آمریکا ایفا نماید. امروزه تحولات گسترده در نظم امنیت جهانی در حال تحقق است. افول هژمونی آمریکا و سربرآوردن قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای جدید از ابعاد این تحول هستند و ناتو در این چارچوب با چالش‌های جدی روبرو است. همچنین کشورهای نیز باید تحولات جدی در مساله امنیت خود به‌وجود آورند. در این مقاله تلاش شده به این مساله پرداخته شود که ناتو در رویارویی با این تحولات با چه چالش‌هایی روبرو است و چگونه می‌تواند در شکل‌دهی معماری نظام امنیتی مشارکت جوید و اصولاً با چه سرنوشتی روبرو خواهد بود. برای پاسخ به این مساله آینده پژوهانه، پنج سناریو محتمل در برابر آینده ناتو توضیح داده شده است. در این چارچوب عملکرد ناتو در ایجاد و هماهنگی شبکه‌ای از کشورهای همفکر و متحد غرب در مناطق مختلف مطرح شده است. همچنین در بخش چه باید کرد این مساله طرح شده است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران در برابر ناتو چه باید باشد.

کلیدواژه‌ها: ناتو؛ امنیت اروپا؛ نظام امنیت جهانی؛ هژمونی آمریکا؛ بازدارندگی

مقدمه

ناتو که موفق‌ترین، قدرتمندترین و طولانی‌ترین اتحاد تاریخ نام گرفته در طول ۷۵ سال گذشته به‌عنوان یکی از مهمترین ابزار هژمونی آمریکا محسوب شده و همانند یکی از اصولی‌ترین پایه‌های نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم عمل کرده است. ناتو در سال ۱۹۴۹ با عنوان دفاع از امنیت کشورهای عضو در برابر توسعه طلبی اتحاد شوروی تشکیل شد. فلسفه وجودی اعلانی این اتحادیه با نابودی شوروی در سال ۱۹۹۰ از بین رفت و به‌طور طبیعی اغلب پیش‌بینی می‌شد که با از بین رفتن فلسفه وجودی، این اتحادیه نیز همانند موارد مشابه دیگر نمی‌تواند تداوم یابد. در طول سی سال پس از فروپاشی شوروی ناتو نه تنها تداوم یافت بلکه در بسیاری از عرصه‌ها نقش بیشتری بر عهده گرفت و در عمل تاثیر بیشتری بر جای گذاشت.

بر اساس نظر تحلیلگران و با توجه به عملکرد و پایایی ناتو، این ایده تائید می‌گردد که از ابتدا فلسفه وجودی ناتو بیش از فلسفه اعلانی بوده است. در یک جمله بسیار مشهور گفته شد که ناتو ایجاد شد تا شوروی را بیرون (از اروپا) نگاه دارد، آمریکا را به داخل (اروپا) بیاورد و آلمان را در پایین نگاه دارد. در طول دوران جنگ سرد این اهداف سه‌گانه تا حد زیادی عملی شد و همچنین ناتو توانست علاوه بر بازدارندگی شوروی، انسجام درون بلوک را حفظ کند. یک بحث جدی در مورد فلسفه وجودی ناتو بیان می‌کند که ناتو به‌عنوان ابزار هژمونی آمریکا تشکیل شد و توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در برتری آمریکا، کنترل اروپا و حفظ ساختار نظم آمریکا محور ایفا نماید. این نهاد تعیین‌کننده که از ارکان نظم امنیتی جهان جنگ سرد بود کماکان در دوران پس از جنگ سرد به‌عنوان یک رکن نظم جهانی ادامه نقش داد و تاثیر تعیین‌کننده‌ای به‌ویژه در تحولات اروپای شرقی و توسعه دامنه نفوذ آمریکا در آن منطقه بیرون آمده از سلطه شوروی ایفا نمود.

امروزه ساختار نظام بین‌الملل در حال تجربه یک تحول بنیانی است، هژمونی آمریکا با چالش‌های جدی روبرو شده و همچنین تهاجم روسیه به اوکراین فضای جدیدی در اروپا ایجاد کرده است. در این دوران پر تنش و سرنوشت ساز ناتو کماکان به‌عنوان ابزار بسیار موثری ادامه حیات می‌دهد. سوال نوشته حاضر آنست که در معماری نظم جهانی در حال استقرار، ناتو چه نقشی ایفا می‌نماید و آینده ناتو در این دنیای در حال تغییر چیست؟ برای پاسخ به این سوال مفهوم

استراتژیک ناتو را که در اجلاس سران ناتو در مورد تحولات محیط بین‌الملل و نقش و مأموریت ناتو در محیط جدید تصویب می‌شود بررسی میکنیم و سپس سناریوهای مطرح در مورد نقش ناتو در آینده را بررسی میکنیم. با توجه به رویکرد آینده پژوهی این مقاله پاسخ صریح و قطعی، مشکل می‌باشد و از روش سناریو نویسی بهره می‌بریم. همچنین در مورد رویکرد مناسب جمهوری اسلامی ایران و چه باید کرد نیز مسایلی طرح خواهد شد.

ناتو به عنوان ابزار هژمونی آمریکا

آمریکا پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم اقدام به معماری امنیتی جهانی نو نمود و با عنوان ارزشهای انسانی مسیحیت و غرب نظمی در افکند که مبتنی بر نهادهای چندلایه مانند برتن وودز، سیستم تجارت آزاد، دلار به عنوان محور اقتصاد جهانی، طرح مارشال برای بازسازی اروپا، ایجاد ترتیبات امنیت منطقه‌ای (همانند سیتو، سنتو و...)، معاهده‌ها و ترتیبات دوجانبه (همانند معاهده امنیتی آمریکا-ژاپن و...) بود. مولفه‌هایی همانند بازدارندگی، رقابت ایدیولوژیکی و موازنه قوا از مفاهیم پایه ای این معماری امنیتی محسوب می‌گردید. بسیاری از این ترتیبات و نهادها حتی پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی تداوم یافت و نظم آمریکا محور جهان را حفظ نمود. در بین این ترتیبات پیچیده امنیتی و به هم مرتبط، نهاد چند لایه ناتو از همه قدرتمندتر و موثرتر بود. ناتو توانست به عنصر اصلی بازدارندگی شوروی تبدیل شود و همچنین تبدیل به یکی از مهمترین ابزار دیپلماسی اجبارآمیز گردد^۱ تا بتواند اراده و رفتار سایر بازیگران را بدون بکار بردن عملی ابزار نظامی تحت تاثیر قرار دهد. ناتو نه تنها همانند یک چتر امنیتی نوعی اطمینان خاطر برای متحدین آمریکا فراهم کرد بلکه عامل اصلی کنترل آمریکا بر اروپا بود و مانع از تحقق هر گونه ترتیبات امنیتی اروپا محور گردید. آمریکا بدین ترتیب امنیت اروپا را کاملاً به انحصار خود گرفت. (امینیان، ۱۳۸۶: ۱۵۴) همچنین آمریکا از طریق ناتو توانست انسجام درون قطبی را تحکیم بخشد و به طور مثال تنش بین یونان و ترکیه را مهار کند. از لحاظ جغرافیایی ناتو بخش اصلی منطقه موسوم به غرب را زیر پوشش خود درآورد.

۱. این کتاب نحوه به کارگیری دیپلماسی اجبارآمیز توسط آمریکا در این دوران را مفصلاً توضیح داده است. (امینیان: ۱۳۹۶)



نقشه ۱- ناتو پیش از پیوستن سوئد

با فروپاشی شوروی ناتو به محمل اصلی برای جذب کشورهای بلوک شرق تبدیل شد. کشورهایی که در دوران جنگ سرد در پیمان ورشو در مقابل آمریکا صف آرایی کرده بودند یکایک جذب ناتو شدند و به متحد آمریکا تبدیل گردیدند. آمریکا به بهانه شرایط عضویت در ناتو، تمام شرایط خود را در این کشورها اعمال نمود. پس از یک دهه از فروپاشی شوروی این فرایند به گونه‌ای شد که مقامات آمریکایی بیان کردند این کشورها ی اروپای شرقی که سابق دشمنان آمریکا بودند و آن را اروپای جوان می‌نامیدند اکنون بهتر از اروپای پیر با آمریکا متحد هستند.

توسعه ناتو

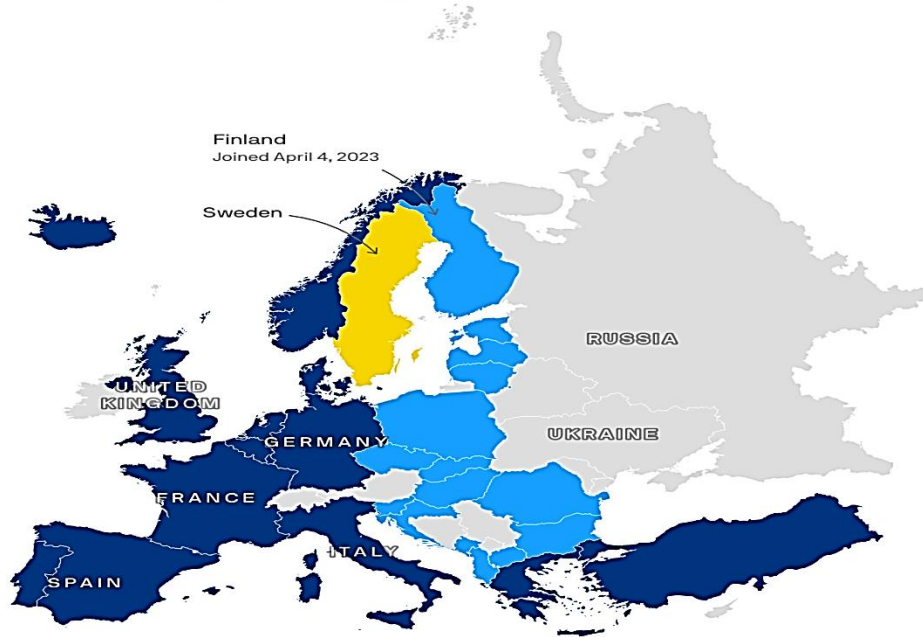
ناتو در چند مرحله اعضای خود را گسترش داد. همانگونه که در نقشه ۲ و ۳ مشاهده می‌شود بیشترین دوره توسعه ناتو به دوران پس از جنگ سرد تعلق دارد. سیاست یارگیری از کشورهای اروپای شرقی باعث شد تعداد زیادی از این کشورها عضو ناتو شوند و ناتو مواضع خود را در

اطراف روسیه مستحکم سازد. این مساله حساسیت روسیه را برانگیخت و باعث تنش شدید بین روسیه و کشورهای غربی گردید. پس از نزدیک یک دهه روابط دوستانه، بار دیگر تنش بر روابط دو گروه مستولی گردید. تهاجم روسیه به گرجستان در ۲۰۰۸، کریمه در ۲۰۱۴ و در نهایت حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲ به عنوان ممانعت از پیوستن اوکراین به ناتو صورت گرفت. در این فضای امنیتی ایجاد شده، کشورهای اسکاندیناوی که رغبتی به پیوستن ناتو نداشتن تغییر رویه دادند، فنلاند در سال ۲۰۲۲ به عنوان سی و یکمین عضو ناتو پذیرفته شد و شرایط برای پیوستن سوئد در این سال آماده گردید.

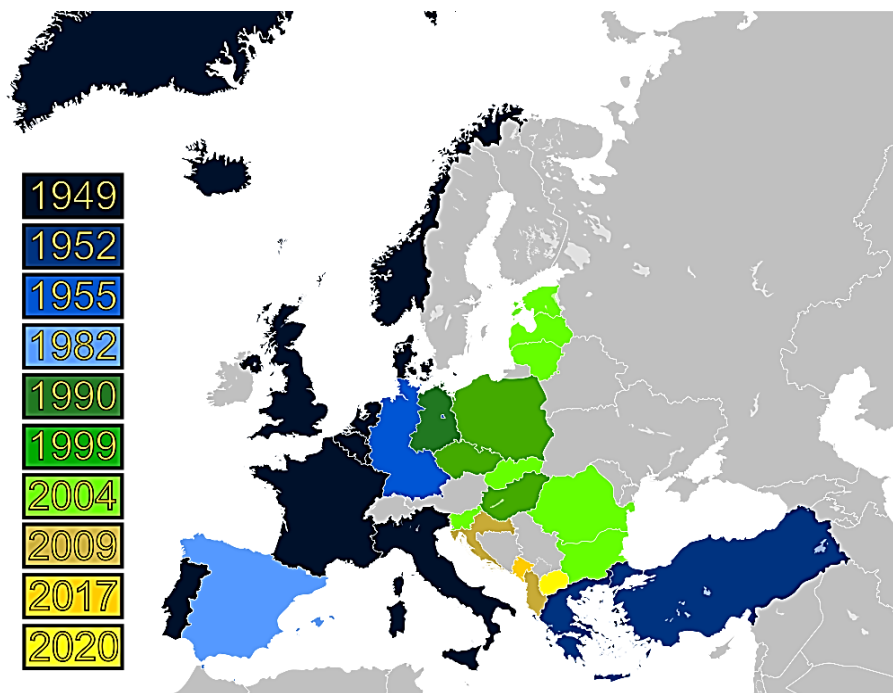
NATO members in Europe

As of April 4, 2023; The U.S. and Canada are also founding members of NATO

■ Joined before 1991 ■ Joined after 1991 ■ Pending application



نقشه ۲. گسترش ناتو پس از فروپاشی شوروی



نقشه ۳. مراحل توسعه ناتو

تحول مفهوم استراتژیک ناتو

با توجه به نقش بسیار مهم امنیتی ناتو در نظام بین‌الملل از ابتدای شکل دهی ناتو، تلاش شد تا این اتحادیه اهداف و استراتژیهای خود را متناسب با تحولات بین‌المللی و تغییرات شرایط استراتژیک تنظیم نماید. بر این اساس به صورت دوره‌ای سندی تحت عنوان "مفهوم استراتژیک ناتو" در اجلاس سران ناتو تصویب می‌گردد که عمدتاً توسط آمریکاییها تنظیم و تدوین می‌گردد. اجلاس سران کشورهای عضو ناتو که هر چند سال یکبار تشکیل می‌شود عالیتیرین نهاد تصمیم‌گیری در ناتو محسوب می‌گردد. (Rynning, S.: 2019,53)

معمولاً سند "مفهوم استراتژیک ناتو" با توجه به سه مفهوم و محور تدوین میشود: محیط استراتژیک، تهدیدات امنیتی اصلی و روش و ابزاری که ناتو اهدافش را تامین می‌نماید. بر این اساس بررسی تحولات این سند می‌تواند تصور و برنامه‌های سران و گردانندگان ناتو را مشخص نماید.

دراولین سند مفهوم استراتژیک ناتو که در سال ۱۹۴۹ تدوین گردید ناتو به دنبال بازدارندگی شوروی از طریق استراتژی انتقام گسرنده بود. در سال ۱۹۵۲ مفهوم شمشیر و سپر، در سال ۱۹۵۷ پاسخ انعطاف پذیر و در سال ۱۹۶۸ بازداشتن روسیه با تهدید سلاحهای هسته‌ای مطرح گردیدند. همانگونه که مشخص است مفهوم استراتژیک ناتو در طول دوران جنگ سرد بر بازدارندگی شوروی متمرکز بوده است. با فروپاشی شوروی این گزاره اصلی و نقطه تمرکزین در این سند ناتو از بین رفت و بررسی تحولات این سند در دوران جدید تلاش برای حفظ ناتو با خلق مسایل و حساسیتهای جدید مشخص می‌گردد. (Wong:2022. 15)

در طول دوران پس از ۱۹۹۰ با از بین رفتن فلسفه اعلانی تلاش برای اعمال هژمونی آمریکا و استقرار نظم نوین جهانی - منطقه‌ای در اولویت استراتژیک رهبران آمریکایی قرار گرفت. سندهای راهبردی ناتو در این دوران انعکاس دهنده این اولویتهای و تلاش گردانندگان ناتو در ایجاد فلسفه‌های وجودی جدید می‌باشد تا بتوانند شرق اروپا را از طریق ناتو جذب و کنترل نمایند و اجازه ندهند خلا ایجاد شده ناشی از فروپاشی باعث تداوم نظام‌های ضد آمریکایی و یا ایجاد یاغیانی گردد که در برابر سلطه آمریکا و یا تغییر عناصر نظم پیشین مقاومت می‌نمایند. (O'Hanlon, M.: 2017 , 16)

به همین دلیل در این دوران به‌طور متناوب اهداف اعلانی تغییر می‌کنند و در خلا یک مفهوم و یا تهدید وحدت بخش مسایل دیگری مطرح می‌گردند. روسیه که قبلاً دشمن وحدت بخش محسوب می‌گدید به مدت حدود ۲۰ سال از تهدید اصلی خارج شد. در این مدت روسیه همکار ناتو در برنامه همکاری برای صلح بود

در اولین اجلاس سران پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، دیگر از مفاهیم جنگ سردی تند نظامی و امنیتی خبری نیست و مفهوم نوین استراتژیک مبتنی بر مفاهیمی همانند دیالوگ، همکاری، دفاع جمعی و ابزار متقابل برای حفظ صلح می‌گردد. در این سالها بتدریج این ایده در اروپا مطرح می‌گردد که اروپا باید سازوکار دفاعی و امنیتی مستقل از آمریکا داشته باشد. سردمدار این ایده کشور فرانسه بود که سالها پیش حتی از ساختار نظامی ناتو خارج شده بود. در بحران بوسنی آمریکا به اروپا نشان داد که آنها توان اداره مسایل امنیتی داخل اروپا را ندارند و به شدت به ناتو و ساختارهای امنیتی آمریکا محور داخل آن وابسته هستند. پس از آن ناتو بر جذب کشورهای اروپای شرقی متمرکز شد. آمریکا سعی کرد در یک فرآیند تدریجی و بدون برانگیختن

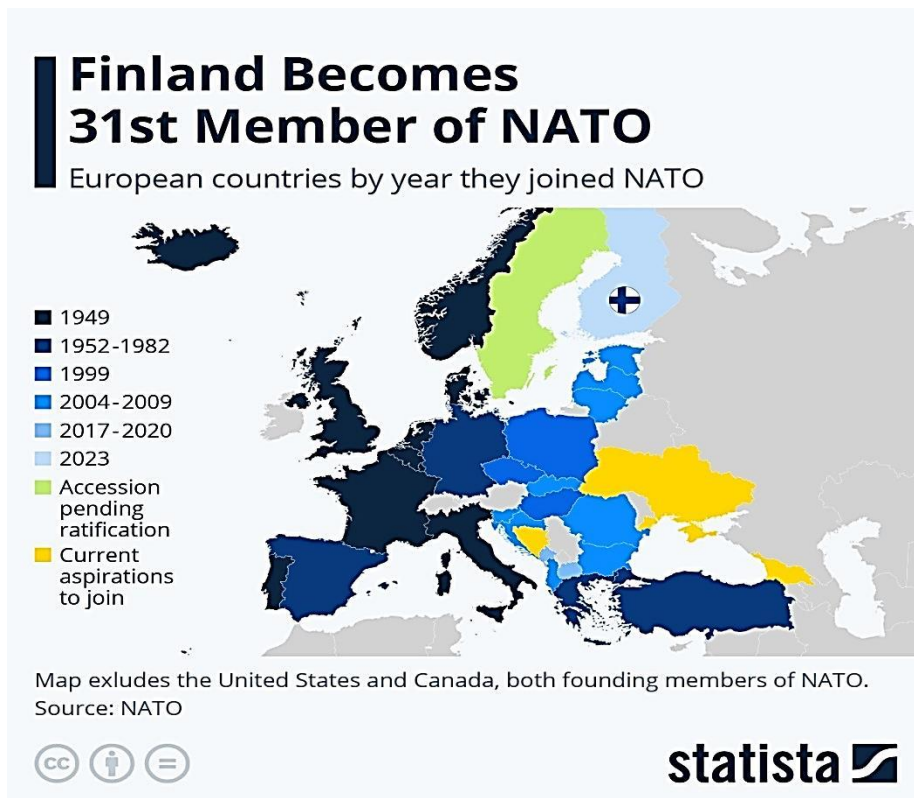
حساسیتهای روسیه هژمونی خود را به شرق اروپا و تا همسایگی روسیه گسترش دهد. همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل تسلیحات ایفا نمود. (Guchua, 2023, 46)

در اجلاس سران ناتو در ۱۹۹۴ سیاست توسعه به شرق از طریق دعوت اعضای ورشو به برنامه همکاری برای صلح ناتو تصویب شد و در مفهوم استراتژیک ناتو در سال ۱۹۹۹ تهدیدات غیر سنتی همچون حمایت از آزادی، حقوق بشر، ارزشهای دموکراتیک، که مبنای مداخله بشردوستانه در کوزوو مطرح گردید. (Wong: 2022, 18)

در این دوران یعنی از سال ۲۰۰۱ ناتو با مداخله در افغانستان، درگیر یک جنگ خونبار بیست ساله شد. در منطقه‌ای که اصولاً جزو منطقه آتلانتیک شمالی محسوب نمی‌گردد. این مداخله که با مخالفت ضمنی برخی از کشورهای غربی نیز همراه بود نشانی از سرگشتگی استراتژیک ناتو بود. با تهاجم روسیه به گرجستان در ۲۰۰۸، ناتو به حمایت از گرجستان پرداخت و کمیسیون ناتو - گرجستان برای تسهیل پیوستن گرجستان به ناتو ایجاد کرد. در اجلاس لیسبون ۲۰۱۰ سومین مفهوم استراتژیک در دوران جدید با عنوان «اشتغال فعال، دفاع مدرن» برای مقابله با تهدیدات مدرن همچون تروریسم هسته‌ای، جرایم سایبری و تغییرات محیط زیستی جهانی، تاکید بر اهمیت همکاری با روسیه تصویب شد. اشغال کریمه توسط روسیه در ۲۰۱۴ باعث تنش روسیه با ناتو شد. بتدریج دوران جدیدی در حیات ناتو شروع میشد که این اتحادیه چند لایه را از سردرگمی مفهومی نجات می‌داد. حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ احیا کننده فلسفه وجودی ناتو و انسجام بخش این اتحادیه لرزان بود. برای نخستین بار در طول بیش از ۷۵ سال پس از جنگ جهانی دوم یک عملیات نظامی کلاسیک و جنگ بین دو کشور امنیت اروپا را در معرض تهدید مستقیم گسترش دامنه جنگ قرار داده بود.

پس از تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ ناتو در اجلاس مادرید چهارمین مفهوم استراتژیک خود را تصویب کرد. در این سند نه تنها روسیه به عنوان مهمترین تهدید مطرح شد چین (برای نخستین بار) به عنوان تهدید سیستماتیک مطرح گردید. چین و روسیه به عنوان تضعیف کننده نظم جهانی قانونمند توصیف شدند که وظیفه فوری ناتو تقابل با آنهاست. در این سند روسیه تهدید فوری و چین تهدید درازمدت توصیف شدند. مفهوم استراتژیک ناتو بر تضمین امنیت جمعی "ما" بر مبنای رهیافت ۳۶۰ درجه و سه وظیفه محوری: بازدارندگی و دفاع، پیشگیری و مدیریت بحران،

امنیت همکارانه تاکید می‌ورزید. بار دیگر ادبیات جنگ سردی و مفاهیم نظامی امنیتی خاص در سرلوحه مفهوم استراتژیک ناتو سیطره یافت. در این سند با دعوت از فنلاند و سوئد برای پیوستن به ناتو و افزایش آمادگی نظامی از طریق ارتقای تعداد نیروهای واکنش سریع زمینی، دریایی و هوایی آماده عملیات از ۴۰ هزار نفر به ۳۰۰ هزار نفر شرایط جدیدی مطرح گردید. (Wong:2022 , 20)



نقشه ۴. پیوستن ناتو در سال ۲۰۲۲ به ناتو

اتحادیه اروپا و ناتو

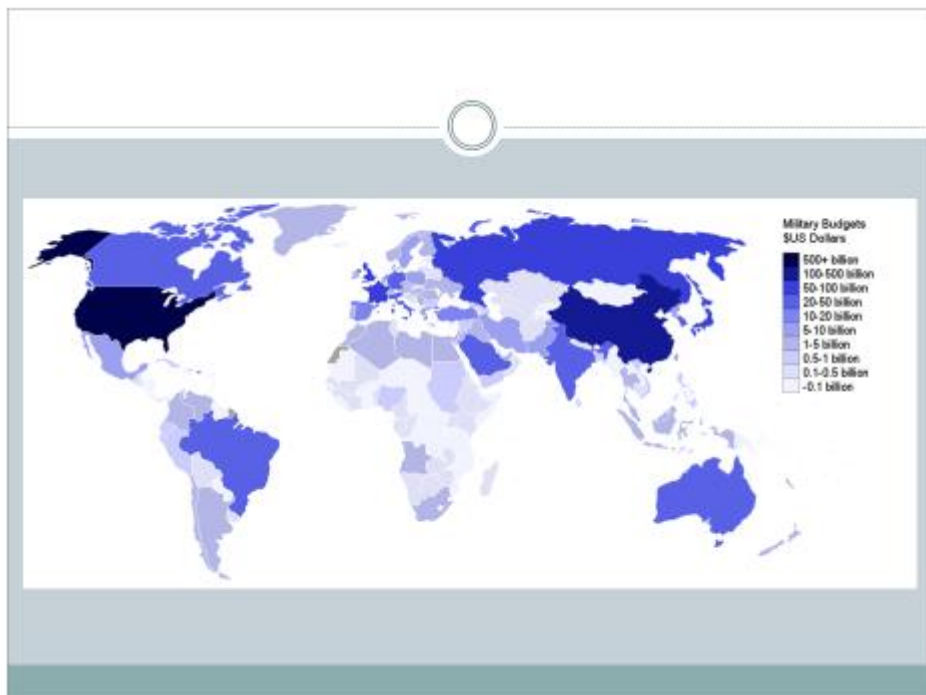
روابط اروپا و ناتو بدون تنش نبوده است و حتی کشور فرانسه در سودای ایجاد ساختار دفاعی مستقل اروپایی مدتی از ساختار دفاعی ناتو خارج شد. در دوران زمامداری ترامپ در آمریکا، فشار زیادی توسط آمریکا بر اروپا وارد می‌آمد تا سهم بیشتری از هزینه‌های نظامی ناتو را بر عهده بگیرند و حتی ترامپ تهدید می‌کرد که از ناتو خارج می‌شود و اروپا را رها خواهد ساخت. این

مساله به کابوسی برای اروپاییان تبدیل شده بود. آنها خود را در برابر موج جدید توسعه طلبی روسیه و مخالفت‌های جدی و روبه گسترش آن کشور در توسعه ناتو به کشورهای همجوار خود تنها می‌دیدند. روسیه کماکان یک ابرقدرت نظامی محسوب می‌گردد که زرادخانه هسته‌ای آن دست نخورده باقیمانده است. اقدامات اجرایی روسیه که از سال ۲۰۰۸ از گرجستان شروع شده بود و در سال ۲۰۱۴ به مساله اختلافات جدی با اوکراین و جداسازی کریمه رسیده بود. ترامپ با طرح مباحث انزو و اطلبانه معتقد بود آمریکا بی‌جهت بار سنگین دفاع از بسیاری از مناطق را بر دوش دارد و باید سبکبار گردد. (Rynning, S., 2019)

کشورهای اتحادیه اروپا با خطر انزوای طلبی آمریکا و همچنین احتمال درگیری آمریکا با چین بر سر تایوان روبرو بودند که تمرکز آمریکا را به سمت دیگر می‌برد. بنابراین اروپا باید بیشتر بر خود متکی گردد. اتحادیه اروپا به عنوان یکی از قدرتهای مطرح جهانی عمدتاً بر مسایل اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های خود متمرکز بود. این اتحادیه توان نظامی و امنیتی چندانی در اختیار نداشت و عمدتاً به حمایت آمریکا متکی بود. امری که در آمریکا از آن به سواری مجانی تعبیر می‌گردد. اروپایی‌ها دریافتند که این روبه سواری مجانی قابل تداوم نیست. آنها تا ابد نمی‌توانند به به چتر حمایتی آمریکا مطمئن باشد. (امینیان: ۸۵)

پس از تهاجم روسیه کشورهای اروپایی بودجه‌های نظامی خود را افزایش داده‌اند. تعهد به دو برابر شدن هزینه نظامی از ۱/۴ به ۳ درصد تولید ناخالص ملی از اقدامات مهم اروپا در این عرصه محسوب می‌گردد. ولی این افزایش غیرهماهنگ و در کاهش وابستگی امنیتی اروپا غیر موثر است. در اروپا قدرت نظامی متحد و هماهنگی وجود ندارد. هر چند اتحادیه اروپا در مساله تجاوز روسیه بسیار قاطع و سریع عمل کرد. همچنین هزینه آموزش ۳۰ هزار نیروی اوکراینی را تامین کرد ولی از لحاظ توان نظامی، بازیگران عمده اروپایی هر یک به دلیلی بسیار ضعیف و غیر قابل اطمینان شده‌اند و حتی توان بازدارندگی دشمنان را ندارند. (Lepski, M. and Lepska, N.: 2023, 14) فرانسه در اروپا قابل اعتماد نیست و در بخش‌های دیگر بویژه در آفریقا درگیر است، بریتانیا با برگزیت تضعیف شده و آلمان اصولاً توان نظامی ندارد. سایر کشورهای اروپای غربی بسیار کوچک و ناهماهنگ هستند و کشورهای اروپای شرقی در برابر ارتش نیرومند و توان هسته‌ای روسیه بسیار ضعیف محسوب می‌گردند.

از این رو طرح مکرون رییس جمهور فرانسه، برای خودمختاری امنیتی اروپا از آمریکا با تهاجم روسیه غیر واقعی و به صورت خطرناکی فانتزی قلمداد شد و مورد مخالفت کشورهای اروپای شرقی قرار گرفت.



ناتوی نوین: احیا و شکوفایی در عین مشکلات و مصایب

ناتو در دوران جدید بویژه پس از تهاجم روسیه به کراین هر چند به دلیل ایجاد فلسفه وجودی از دوران سردرگمی استراتژیک خارج شده و به نوعی در دوران احیا و شکوفایی مجدد قرار دارد ولی با مسایل و مشکلات عدیده ای نیز دست و پنجه نرم می کند. این پارادوکس احیا و مصایب ناتو را در یک نقطه عطف تاریخی قرار داده است که نحوه مدیریت و تعامل با این دوران، آینده ناتو را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. بازیگران اصلی تاثیر گذار در ناتو نقش تعیین کننده ای در شکل گیری آینده ناتو دارند. آمریکا که همواره مغز متفکر اصلی، استراتژیست و بازیگردان تعیین کننده ناتو بوده است نقشی کلیدی ایفا می نماید. هر چند اروپا نیز بتدریج مایل به کسب

نقشی اصلی تر می باشد. آمریکا در دوران زوال آزمون‌های خود قرارداد دارد و از طرف دیگر رویکردهای انزوطلبانه ای که معتقد هستند نقش آمریکا در ناتو بار سنگینی بردوش آمریکاییهاست که زمینه را برای سواری مجانی دیگران فراهم می سازد به طور جدی در مورد نقش و آینده ناتو تردید دارند. از طرف دیگر برآمدن چین و قدرت گیری روزافزون این بازیگر به شدت قدرتمند اقتصادی، بندریج توجه، تمرکز و اولویت امنیتی آمریکا را به سمت شرق متمایل می سازد و همانگونه که آمریکا در بسیاری از عرصه ها بویژه از منطقه خاورمیانه و افغانستان مجبور به عقب نشینی گردید، خروج و یا کاهش تعهدات امنیتی آمریکا به اروپا نیز دور از ذهن نمی باشد. همچنین ناتوانی و عدم صلاحیت روسای جمهور آمریکا بویژه در دو دوره اخیر (ترامپ و بایدن) که به نوعی انعکاس دهنده افول آمریکا نیز هستند چالشی عمیق برای ناتو محسوب می گردد گرچه استراتژیستها و همچنین دولت عمیق^۱ آمریکا بر اهمیت راهبردی ناتو واقف هستند و اجازه نخواهند داد این اهرم بسیار تعیین کننده از دست آنها خارج گردد.

علاوه بر این مشکلات دیگری نیز بر سر راه ناتو قرارداد که باید به طور جدی با آنها برخورد گردد. تهدید هسته‌ای و روحیه پرخاشگرانه و یا امنیت طلبانه روسیه مشکل بعدی ناتو و بویژه اروپایی‌هایی است که در همسایگی روسیه قرار دارند. روسیه در راه مسایلی همانند توسعه ناتو به همسایگانش که آن را تهدید وجودی می داند از به کارگیری نیروی نظامی در دفاع از آنچه تجاوز به حیثیت خود می داند ابایی ندارد. برخی از کشورهای اروپایی همانند لهستان، مولداوی، رومانی به شدت از این مساله احساس تهدید می کنند. مدیریت جنگ کنونی اکراین انرژی زیادی از کشورهای اروپایی رفته و بویژه امنیت انرژی و غذایی (وابستگی به گاز روسیه و غلات منطقه) آنها را به طور مستقیم تحت تهدید قرار داده است. تداوم و تصاعد این وضعیت برای بسیاری از کشورهای اروپایی قابل تحمل نیست و انرا به عنوان تهدیدی جدی تلقی می کنند. مصوبه‌های سران ناتو برای پیوستن اکراین به ناتو این آتش را بیشتر شعله ور خواهد کرد.

ناتو همچنین باید ابعاد پیوستن کشورهایی همانند فنلاند و سوئد در حالت کنونی و پیوستن سایر نامزدها در آینده را نیز مدیریت نماید. ترکیه که یکی از ستون‌های نیروی زمینی ناتو محسوب

1. Deep State

می‌گردد نیز در سال‌های اخیر چالش‌هایی برای ناتو ایجاد نموده است و در مواردی همراهی خود را مشروط به مسائلی همانند پیوستن به اتحادیه اروپا نموده که تحقق آن بسیار بعید به نظر می‌رسد. (Beyoghlou, K.A.: 2020, 89) برآمدن و قدرت فزاینده چین، وابستگی برخی از کشورهای اروپایی در برخی عرصه‌ها به چین و سیاست ناتو در برابر آن از چالش‌های جدی ناتو محسوب می‌گردد.

همچنین در عرصه عملیاتی و تاکتیکی ناتو به شدت ضعف خود در عرصه‌های دفاعی را دریافته است نیاز به دفاع موشکی و هوایی منسجم، سیستم هشدار سریع، سرمایه‌گذاری بر نسل بعدی هواپیماهای جنگنده بخشی از این چالش‌ها می‌باشد.

سناریوهای فراروی ناتو: از فروپاشی، حفظ وضع موجود تا تشکیل شبکه جهانی هژمونیک

با توجه به تحلیلهای پیش گفته، تحولات گسترده ایجاد شده و همچنین شرایط در حال تحول پیش رو شاید به طور قطعی نتوان در مورد آینده ناتو قضاوت کرد و گزینه‌ای خاص را مشخص کرد ولی بر اساس متدولوژی آینده‌پژوهی می‌توان بر اساس روندها و فرآیندهای موجود و ارزیابی از نوع تحولات پیش رو چندین سناریو محتمل را ترسیم نمود^۱.

سناریو ۱- تداوم وضع موجود: ناتو کلاسیک بعلاوه

اولین سناریو مطرح تداوم وضع کنونی ناتو با تحولات و افزایش توانایی‌ها می‌باشد. بر اساس این سناریو مهمترین اصول عبارتند از: دفاع جمعی در قاره اروپا، بازدارندگی روسیه و افزودن توانایی مقابله با جنگ‌های چندگانه همانند جنگ سایبری. عبارت به‌علاوه اشاره به ایجاد همین توانایی‌ها دارد. در این سناریو احتمال احیای نوعی جنگ سرد با بلوک مقابل به سرکردگی روسیه جدی مطرح است. این سناریو مورد پشتیبانی نظریات دفاعی استراتژیک است و از سوی کشورهای اروپای شرقی عمدتاً و برخی محافل در آمریکا و آلمان حمایت و طرح می‌گردد.

۱. موسسات تحقیقاتی استراتژیک در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در مورد آینده ناتو انجام داده‌اند که برخی از نتایج منتظره آنها در منابع این مقاله هم ذکر شده است. از جمله بنگرید به مطلب منتشره در فارین پالیسی که ۹ نفر از مسئولین رشد ناتو و پژوهشگران برتر این حوزه در مورد آینده ناتو تویچ داده‌اند. افرادی همانند راسموسن (دبیرکل پیشین ناتو و...) بنگرید: Rassmusen (2023) and others

در این سناریو ساختارهای فرماندهی و هدایت کننده ناتو که عمدتاً در دست آمریکا است دست نمی‌خورد و اروپا کماکان نقشی حاشیه‌ای بر عهده دارد.

سناریو ۲- خروج آمریکا و پایان ناتو

در این سناریو آمریکا از ساختار ناتو خارج می‌شود و ناتو یکسره در کنترل اروپا قرار می‌گیرد. این ایده مدتهاست توسط جناح‌های افراطی و حتی جناح‌های انزواطلب در آمریکا و شعار " آمریکا اول " ترامپ تبلیغ می‌شود. خروج آمریکا از ناتو و کاهش اشتغال در اروپا و حتی رسیدن توافق با روسیه از اهداف این سناریو بیان میشوند. ترامپ در ماه می ۲۰۲۳ گفت اگر در ۲۰۲۴ دوباره انتخاب شود او در ۲۴ ساعت جنگ را پایان می‌دهد. تحلیلگران در بیان چگونگی این راهکار بیان داشتند که احتمالاً منظور ترامپ قطع کمک‌های نظامی به اوکراین و توافق با روسیه است. این سناریو کابوس کشورهای اروپایی محسوب می‌گردد.

در این سناریو ناتو بیشتر اروپایی می‌شود و اتحادیه اروپا تأکید و مأموریت امنیتی بیشتری بر عهده می‌گیرد. بدین ترتیب در این سناریو می‌توان گفت ناتو به پایان عمر خود می‌رسد و ترتیبات امنیتی اروپایی جایگزین می‌گردد. در این سناریو ناتو به شکل کنونی پایان می‌یابد و اتحادیه‌ای بیشتر اروپایی شکل خواهد گرفت. جناح‌های انزواطلب و تندرو همانند ترامپ و حامیان‌ش و همچنین جریان‌های استقلال طلب اروپایی همانند فرانسه حامی این سناریو هستند و البته این سناریو به‌طور طبیعی به شدت از طرف کشورهای اروپای شرقی و جریان‌ها و نهادهای هژمونی طلب آمریکایی نفی می‌شود. (Schreer, B.: 2019, 27)

سناریو ۳- تقسیم کار: تغییر نقطه ثقل به سمت آسیا

این سناریو نیز نوع ملایم سناریو پیشین محسوب می‌گردد. با توجه به تفاوت اولویت‌های امنیتی اروپا (که روسیه را تهدید اصلی می‌بیند) و آمریکا (که بر تهدید چین متمرکز است) آمریکا و اروپا به توافقی دست می‌یابند در این سناریو نوعی تقسیم‌کار بین آمریکا و اروپا شکل می‌گیرد: آمریکا کمک می‌کند تا نقش بیشتر اتحادیه اروپا در اروپا عملی گردد و خود بر چین به عنوان دشمن اصلی متمرکز می‌شود و تمرکز را به سمت آسیا و اقیانوس هند می‌برد. در این سناریو

اتحادیه اروپا با تامین مالی و ایجاد توانایی نظامی برای امنیت واقعی تلاش می کند تا سهم خود را در هزین ها و قفدرت واقعی نظامی افزایش دهد و البته این افزایش توان جایگزین ناتو نمیباشد. دولتمردان آمریکا و اتاق های فکر آمریکا حامی و پیشبرنده این سناریو هستند

سناریو ۴- توسعه مفهوم امنیت و مقابله با تهدیدات غیر سنتی

مدت هاست به ویژه در نهادهای آکادمیک اروپا این ایده مطرح می گردد که دوران تهدیدات سنتی به پایان رسیده ولی ژنرالها و نظامیان و برخی سیاستمداران می کوشند در جنگ گذشته متوقف شوند. آنها بیان می کنند که امروزه تهدیدات واقعی مسایل جدیدی همانند تغییرات اب و هوایی ، مسایل سایبری ، ناآرامیهای اجتماعی ، مهاجرت و... هستند. به همین دلیل نهادهای امنیتی باید در دستور کار جنگ سردی خود تجدید نظر کرده و خود را با تهدیدات جدید مطابقت دهند. نظریات امنیتی جدید همانند نظریات مکتب پاریس ، کپنهاگ و... که این ایده را تئوریزه می کنند سالیانی است با اقبال زیادی روبرو شده اند. آنها معتقدند ناتو به گذشته تعلق دارد و باید خود را به روز کرده و برای چنین تهدیداتی سامان یابد. آینده ناتو نیز چاره ای بجز ایجاد تحولات ساختاری و بنیادین ندارد.

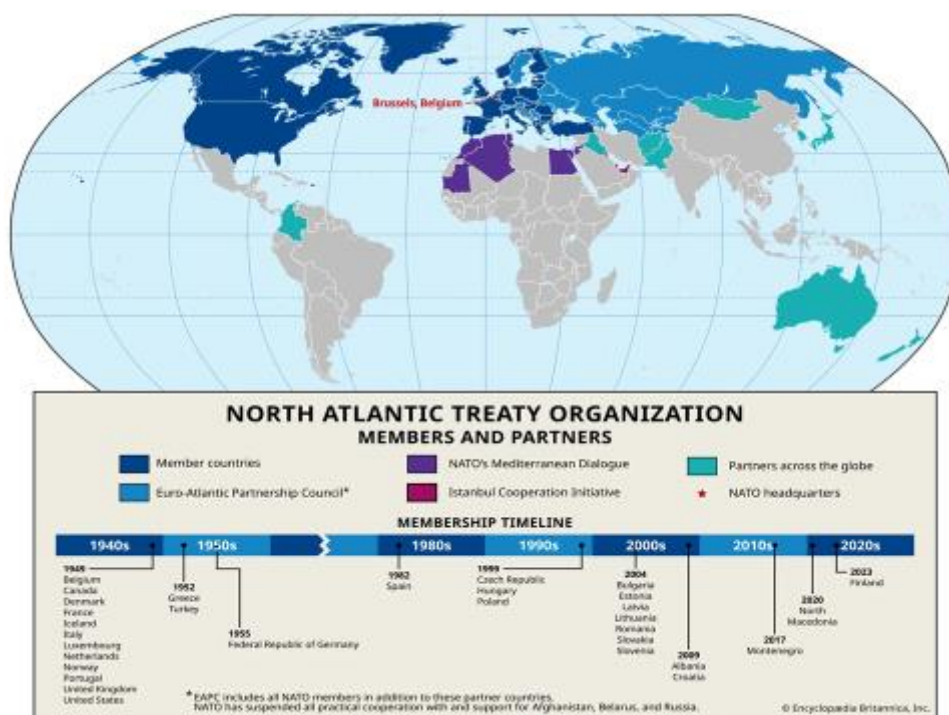
حامیان این سناریو در جنوب و غرب اروپا قرار دارند.

سناریو ۵- ناتو به عنوان شبکه متحدین در سرتاسر جهان:

این سناریو بر این پایه اساسی استوار است که در دوران جدید دیگر هیچ کشوری هژمون نیست و هیچ کشوری نمی تواند سلطه مطلق داشته باشد و بنابراین دوران هژمونی آمریکا به پایان رسده است. در دوران جدید سلزه و قدرت به شبکه ها و ائتلافی از قدرت ها منتقل می گردد و بنابراین ناتو نیز باید به جای آنکه یک بلوک قدرت تحت سلطه آمریکا باشد به شبکه ای از قدرتهی مرتبط به هم تبدیل گردد. این سناریو به دنبال آنست تا ناتو محور معماری امنیتی جهانی باشد.

بیش از ده سال است تحقق این سناریو آغاز گردیده است. در اجلاس ۲۰۱۲ واشنگتن، سران ناتو با ۱۳ شریک جهانی (استرالیا، ژاپن، کره جنوبی و...) دیدار کردند و در بیانیه بر شبکه همکاریان فراتر از اعضای ناتو تاکید شد. همچنین در سال ۲۰۲۲ ناتو از کشورهای غیر عضو به شمول

ژاپن، کره جنوبی، نیوزیلند و استرالیا دعوت کردند تا به اجلاس سران ناتو در مادرید بپیوندند تا روابط با آسیا و نهادهایی همانند کواد* و آتوکس تنظیم گردد. AUKUS و QUAD نقشه ۵ شبکه متحدین ناتو را به نمایش درآورده است.



نقشه ۵. شبکه همکاران ناتو

نتیجه گیری

نظام بین‌الملل در شرایط گذار به سر میبرد و دوران نظم آمریکایی محور به پایان رسیده است. کشورها و محورهای قدرت جدید در حال سربرآوردن هستند. مدیریت استراتژیک تحولات پیش رو از ضروریات حکومتداری جهانی است. ناتو به عنوان یکی از اصیلترین نهادهای شکل دهنده نظم امنیتی در ۷۵ سال گذشته هنوز به عنوان ابزار و نهاد قدرتمندی توان تاثیرگذاری دارد. طراحان و استراتژیستهای جهانی در طول ۳۰ سال گذشته موفق شدند ناتو را به رغم از بین رفتن فلسفه وجودی با شرایط جدید تطبیق دهند و از آن ابزار تاریخ گذشته به عنوان اهرمی کارآمد

برای مدیریت تحولات اروپا و سپس سایر مناطق دنیا بهره بردند. در بخش مفهوم استراتژیک ناتو این مدیریت تحول مفصل مورد بحث قرار گرفت.

اکنون ناتو در یک مرحله بسیار حساس قرار دارد. از سویی از افغانستان خارج شده است. جایی که، بار سنگین عملیاتی که با نوعی سردرگمی راهبردی و ساختاری غیر قابل توجیه همراه بود. ناتو به عنوان نهادی برای امنیت آتلانتیک شمالی نمی توانست حضور خود در افغانستان و هزینه‌های مداوم سنگین خود در آن منطقه که هیچ ربطی به آتلانتیک شمالی نداشت توجیه کند. همچنین تهاجم روسیه به اوکراین فلسفه وجودی ناتو را احیا کرد و آن اتحادیه را از سردرگمی استراتژیک نجات داد. امروزه کمتر کشور اروپایی بر اهمیت و ضرورت ناتو و حضور نظامی آمریکا در اروپا تردید به خود راه می دهد و این تحول مشکل ساختاری مهمی را ز پیش راه ناتو برداشته است ولی از سوی دیگر ناتو با مشکلات و مسایل مهمی نیز رویارو است که بار دیگر حیات این نهاد را مورد تهدید قرار می دهد. افول هژمونی آمریکا، کاهش اولویت این منطقه برای آمریکا، ضعف بنیادین نظامی اروپاییان و همچنین برآمدن چین در راس این چالش‌ها محسوب می گردد.

ناتو به دلیل ظرفیت‌های تاریخی و با وجود همه این چالش‌ها همچنان می تواند ابزار بسیار مهم و تاثیرگذاری در معماری امنیتی جهانی در دهه پیش رو محسوب گردد. آمریکا هر چند در دوران افول هژمونی قرارداد ولی همچنان به عنوان یکی از اصلی ترین بازیگران امنیت جهانی همچنان از این ابزار بسیار قدتمند برای معماری جهانی استفاده خواهد کرد. هر چند در بخش سناریوهای فراروی ناتو بیان شد که هیچ آینده قطعی را نمی توان حکم کرد و اینجا نیز باید اضافه کرد که به دلیل ماهیت پیچیده، متغیر و متلون و غیرقابل پیش بینی بودن سیاست بین الملل قطعیت در آینده پژوهی معنا ندارد و حتی با توجه به اثر پروانه ای ممکن است اصولاً تحولات غیرقابل تصویری محقق گردد ولی با توجه به روندهای موجود می توان در مورد تحقق هر یک از سناریوهای ذکر شده تمرکز نموده و سیاستگذاران بر آن اساس برنامه ریزی نمایند. یا توجه به شرایط موجود باید بویژه سناریو پنجم را با احتمال بیشتر در نظر گرفت.

ناتو به عنوان قدرتمندترین اتحادیه نظامی تاریخ، نقش بسیار موثری در شل دهی به نظم امنیتی بین المللی دارد. در دوران گذاری که تحولات بسیار سریع و گسترده هستند ناتو امید گردانندگان و

هدایت کنندگان نظم هژمونیک است تا بتوانند ضمن اعمال دیپلماسی اجبارآمیز و تحت تاثیر قرار دادن اراده و رفتار سایر بازیگران دشمنان و کشورهای که از نظم حاکم تخطی می‌کنند را بازدارد و همچنین در موارد ضروری همانند اقدامات روسیه، و احتمالاً چین به تفابل آنها برود. این اتحادیه تحت تاثیر این فضای روانی و امنیتی می‌کوشد همانند چتری کشورهای قدرتمند در سرتاسر دنیا را گرد هم آورد و با ایجاد شبکه‌ای منسجم، نظم نوینی را در غیاب قدرت هژمون غالب شکل دهد. (امینیان، بهادر و سید حسام‌الدین زمانی: ۱۳۹۶، ۱۴۲-۱۸۶)

با وجود این طرح و استراتژی؛ همانگونه که در متن بیان شد ناتو با چالش‌های جدی روبرو است. آینده نظم بین‌الملل تا حد زیادی تحت تاثیر نقاب این استراتژی و طرح با چالش‌های ذکر شده است.

جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در چند منطقه استراتژیک جهانی همواره یکی از دغدغه‌ها و مسایل مهم بازیگران مطرح جهانی بوده است و در چند جبهه نیز در همسایگی ناتو قرار داشته است. (حضور ناتو در افغانستان، ترکیه، خلیج فارس و...) . لازم به توضیح است که در صف‌بندی‌های جدید جهانی، مناطقی همانند خاورمیانه و جنوب آسیا و آسیای میانه بسیار تاثیرگذار هستند و در هر یک از این مناطق قدرت‌های منطقه‌ای و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران بازی‌ساز هستند. ناتو به دقت این مساله را دنبال می‌کند. همچنین مسایل خاورمیانه و امنیت اسرائیل همواره از دغدغه‌های کشورهای عضو ناتو بوده که در این عرصه نیز آنها با نگرانی رفتار ایران و متحدینش را دنبال می‌کرده‌اند. با توجه به تحولات استراتژیک نوین همانند شکل‌گیری نظام چند قطبی پساغربی، رویارویی روسیه با غرب، شکل‌گیری محور شرقی در برابر محور غربی محور مطرح شدن منطقه اقیانوس هند به‌عنوان صحنه رویارویی قدرت‌های بزرگ و محل شکل‌گیری ائتلاف‌های تاثیرگذار، مساله بسیار تاثیرگذار کریدورهای اقتصادی متعدد در اطراف ایران و همچنین مساله امنیت انرژی و نقش بدون جایگزین ایران در این عرصه‌ها، یقیناً در سال‌های پیش رو ناتو موضوعیت بسیار بیشتر و جدی‌تری برای ایران خواهد داشت و همچنین ناتو توجه بیشتری بر ایران خواهد داشت. البته با توجه به نوع ناتوی آینده ایران نیز باید ناتو را بسیار جدی بگیرد و رویکردهای منعطف و مشخصی برای ناتوی جدید داشته باشد. در چند دهه گذشته سیاست ایران عدم تعامل با ناتو و دشمن‌انگاری ناتو بوده است. نوع تحولات آتی ناتو می‌تواند تغییراتی در این

رویکرد به وجود آورد. البته رویکرد کلان جمهوری اسلامی ایران و نحوه تعامل با چین و روسیه از متغیرهای بسیار تعیین کننده در این معادله خواهند بود.

مساله چابهار گرچه به نظر در چارچوب های اقتصادی دسته بندی می شود ولی با جدی شدن صف بندی های جهانی می تواند بسیار تعیین کننده باشد. هم پیمانی با هند در این مساله استراتژیک که امروزه بیشتر خود را متحد آمریکا و ناتو قلمداد می کند شاید چندان در این چارچوب قابل تداوم نباشد. مساله کریدورهای اقتصادی در حال شکل گیری یکی از میادین جدید نبرد، یارگیری و صف بندی ها محسوب می گردد. ایران نیز نقش تعیین کننده ای در کریدورها دارد و تلاش زیادی برای محروم کردن ایران از این مزیت طبیعی در جریان است. جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به تحولات در حال شکل گیری و با توجه به مولفه های پیش گفته رویکردهای منطقه ای، اقتصادی و جهانی خود را مورد ارزیابی قرار دهد.

فهرست منابع

- احمدی (۱۴۰۱)، ژیلا و زرگر، دکتر افشین؛ سلطانی، دکتر فخرالدین، "جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری گرجستان؛ تمایل به غرب یا شرق (2008-2020)" مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران آبان ۱۴۰۱ - شماره ۲۴ از ۲۳۸۲ تا ۲۳۹۹
- افراسیابان (۲۰۲۲)، وحید؛ "سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل" سال ۲۰۲۲ مجله پژوهش ملل اردیبهشت ۱۴۰۱ - شماره ۷۵ از ۹۹ تا ۱۱۶
- امینیان، بهادر، ۱۳۸۵. مسلمانان، هویت و جامعه بین‌الملل: بوسنی و هرزگوین، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور
- امینیان، بهادر، ۱۳۸۶. آمریکا و ناتو: پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- امینیان، بهادر و سید حسام‌الدین زمانی، ۱۳۹۶، دیپلماسی اجبارآمیز، اداره نشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،
- امینیان، بهادر، ۱۳۸۵. "ناتو و روابط آمریکا-اروپا پس از ۱۱ سپتامبر" مجله سیاست دفاعی، بهار ۱۳۸۵
- بایزیدی، رحیم؛ ۱۴۰۰ و صفری، عسگر، "استراتژی سیاسی و نظامی ناتو در چشم انداز ۲۰۳۰ و پیامدهای جهانی"، نشریه سازمان‌های بین‌المللی: تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۵ صفحات: از ۲۴۸ تا ۲۷۷
- جلال پور (۱۴۰۱)، حسن. "عوامل موثر بر شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی از منظر نظریه موازنه تهدید" مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی تابستان ۱۴۰۱ - شماره ۵۱ از ۶۰ تا ۷۲
- سهیلی نجف ابادی (۱۳۹۹)، دکتر سهیل؛ حسین خانی، دکتر الهام؛ عمومی، دکتر حامد حقوق. "بررسی آینده پژوهی حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، نشریه مطالعات بین‌المللی :: تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۶۵، صفحات: از ۱۶۹ تا ۹۳
- Beyoghlow, K.A., 2020. Turkey and the United States on the Brink: Implications for NATO and the US-Turkish Strategic and Military Partnership. US Army War College Press
- Biscop, S., 2020. The Future of the Transatlantic Alliance. Strategic Studies Quarterly, 14(3), pp.81-94.
- Csepregi, Z., 2023. NATO-ISRAEL COOPERATION IN THE CONTEXT OF THE RUSSIA-UKRAINE WAR. Strategic Impact, 86(1), pp.23-37.
- Dembinski, M., 2021. ITALY DEBATES THE FUTURE OF NATO. THREE VISIONS FOR NATO
- Geoana, M., Cobo, I.F., Simón, L., van Weel, D., Braže, B., Colomina, J., González, M.S., Vilanova, P. and del Pozo, F.L., 2022. Strategy Notebook 211; The future of NATO after the Madrid 2022 summit.
- Guchua, A., 2023. NATO'S ROLE IN THE POLICY OF NON-PROLIFERATION OF WEAPONS OF MASS DESTRUCTION AND GLOBAL SECURITY: A SHORT OVERVIEW. Journal of Liberty and International Affairs, 9(2), pp.495-506.
- . The War in Ukraine and its Challenge to NATO: Peacekeeping to Peace Engineering. American Behavioral Scientist, 67(3), pp.402-425.
- Odgaard, L., 2023. China Views NATO: Beijing's Concerns About Transatlantic Cooperation in the Indo-Pacific. In Evaluating NATO Enlargement: From Cold War Victory to the Russia-Ukraine War (pp. 283-302). Cham: Springer International Publishing.
- O'Hanlon, M., 2017. Beyond NATO: a new security architecture for Eastern Europe. Brookings Institution Press.
- Rassmusen (2023) and others, "NATO's Next Decade: Nine thinkers assess the alliance's future ahead of a historic summit". Foreign policy, July 2023

- Rynning, S., 2019. Sustaining NATO by consultation: hard choices for Europe. *Journal of Transatlantic Studies*, 17, pp.139-156.
- Rynning, S., 2019. NATO's futures: The Atlantic Alliance between power and purpose. Rom, NATO Defense College..
- Schreer, B., 2019. Trump, NATO and the Future of Europe's Defence. *The RUSI Journal*, 164(1), pp.10-17.
- Wong MH (2022). NATO's 2022 Strategic Concept and Its Impact on Global Security. *Taiwan Strategists*. 2022 Apr(15):1-21.
<https://www.economist.com/international/2023/07/11/what-would-europe-do-if-trump-won>

